

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

شباهنگ راد

۰۸.۰۸.۱۰

## نگاهی دیگر به کمونیسم بر سر دو راهی؛ پژمردگی یا شکوفائی!

[حزب کمونیست ایران – م. ل. م.]

چندی قبل مطلبی تحت عنوان "کمونیسم بر سر .." از طرف «حکا – م. ل. م –» منتشر گردیده که حاوی نکاتی ناروشن، ارزیابی‌های ناصحیح، بی‌وظیفگی و عدم جدیت پیرامون نقش آفرینی تئوری – پراتیکی می‌باشد. در حقیقت تعاریف مدافعین "کمونیسم بر سر دو راهی" را نمی‌توان به حساب متد و اسلوب صحیح دست‌یابی به کشف حقایق گذاشت. به این دلیل که پای خود را در جای نادرست گذاشته‌اند و قصد توضیح جایگاه واقعی خود را ندارند. بر همین اساس و پیشاپیش می‌توان گفت که نتایج آن روشن می‌باشد.

سایه‌های بسیار زیادی را می‌توان از نوشته "کمونیسم .." به بیرون کشید و مهمتر از همه آن‌ها می‌توان به پای این بحث رفت که آیا "جنبش کمونیستی" ایران - منظور نیروهای موجود در خارج از کشور -، از خطر نمودن فاصله نگرفته و سیاست بقاء را جای‌گزین تعرض ننموده است؟ علاوه بر همه این‌ها می‌توان به پای این بحث رفت که آیا انقلاب ایران و یا فعالیت‌های کمونیستی – از نقد کارکردهای خودی گرفته تا تسخیر قدرت سیاسی - را می‌توان خارج از مبارزه‌های طبقاتی سازمان داد و به پیش بُرد؟ یا این‌که نیازمند حضور و دخالت‌گری‌های فعال سازمان‌های انقلابی – کمونیستی در درون است؟

در هر صورت این‌ها، مقوله‌های کلیدی و اساسی‌ست که پاسخ صحیح بدان‌ها، باعث خواهد گردید تا هم ابهامات و ناروشنی‌ها به کنار رود و هم این‌که مانع گمراهی هر چه بیشتر نسل جوان امروزی گردد. کاری که مدافعان "کمونیسم ..." از آن‌ها فاصله گرفته‌اند و با برخورد‌های به غایت عقب‌مانده و بدون ارائه استدلال به نقد نظرات مخالفان خود می‌نشینند. اگر چه عکس‌العمل‌های این‌چنینی در میان نیروهای موجود در خارج از کشور تازگی ندارد و متأسفانه باید اذعان نمود که سازمان‌ها و احزاب، نقد و مبارزه درونی سالم را با فحاشی، توهین و افتراء عوضی گرفته‌اند و خلاف ادعاهای‌شان، مدافع روش‌های ناسالم و تخریب‌کننده‌اند. به هر حال به عادت تبدیل شده است و تغییر آن منوط به خودزنی رفتاری - افکاری‌ست.

می‌گویند بر اهمیت کار تئوریک کاسته‌ام و پراتیک را مقدم بر آن می‌شمارم و توجهی به تغییر و تحولات جهانی و اوضاع جنبش چپ ایران ندارم. سؤال می‌شود پراتیک بر مبنای کدام تئوری؟ کدام مشی باید پراتیک را رهبری کند؟ می‌گویند "صورت مسأله" را جابه‌جا نموده‌ام و نمی‌خواهند به "افاضات بی‌پایه و عوام‌فریبانه" گوش فرا دهند و می‌خواهند راه پدر و مادر اعدام شده کمونیست خود را "ادامه" دهند که بذرهای کمونیست را با تمام وجود کاشتند - همه این‌ها و مواردی از این دست در تبصره نوشته "تأملی بر راهکارهای پیشنهادی .." آمده است -.

بگذارید قبل از هر چیز حساب آن پدران و مادرانی را که در میادین متفاوت و طی سال‌ها مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی ایستادند و جان خود را در راه آرمان‌های توده‌های محروم از دست دادند، با حساب کسانی که کمترین اعتقاد عملی به راه پدران و مادران‌شان ندارند، را از هم جدا نمایم و بدانیم که تفاوت راه آنان با راه "اینان" از زمین تا آسمان است. چرا که آنان در صحنه عمل و در مبارزه رو در روی طبقاتی با دشمنان مردم جنگیدند، ولی "فرزندان"‌شان راه عقب را برگزیده‌اند. این تفاوت‌ها قابل کتمان نیست و به ناحق و بی انصافیست تا خود را دنباله‌روان راه آنان قلمداد نمایم.

و اما صورت مسأله چیست و چرا نوشته "تأملی بر راهکارهای پیشنهادی حزب کمونیست ایران - م. ل. م." بعضی‌ها را آشفته نمود و باعث گردیده است تا به جای برخورد با اصل قضیه، حایشه را انتخاب نمایند و از پاسخ‌گویی صریح به سؤالات روشن و مشخص سر باز زنند؟ در آن نوشته سؤال شده است که سازمان و یا حزبی که خود را به عنوان سازمان و یا حزب "پرولتاری" قلمداد می‌نماید، وظیفه عملی خود را چگونه تعریف می‌کند و چه پاسخی به تعرضات رژیم جمهوری اسلامی دارد؟ سؤال شده است که در کدام میدان‌ایم و میدان کنونی چه وظایفی را در مقابل‌مان قرار می‌دهد؟ سؤال شده است که آیا در چنین میدانی می‌توان کار تاثیرگذار و سازمانده را به پیش برد؟ و .. اگر موارد و سؤالات فوق را به عنوان بخش‌هایی از صورت مسأله به حساب آوریم، آن وقت موظفیم تا به دور از تنش و جار و جنجال‌ها و فارغ از منفعت گروهی - حزبی و تعصبات کور تشکیلاتی، به پاسخ‌گویی آن‌ها بر آنیم تا عایدی شود به نسل جوان امروزی.

در حقیقت «حزب کمونیست ایران - م. ل. م.» بر این اعتقاد است که می‌توان در خارج از کشور و بدون حضور در درون و بدون شرکت عملی در مبارزات توده‌ها، به نقد زنده و جامع دست یافت. مضافاً این‌که بر این باور است تزه‌های "کهن"، فاقد کاراییست و پاسخ‌گوی دنیای امروزی نیست!! - اگر چه مشخص ننموده است که منظور از تزه "کهن" کدام است و یا این‌که چه بخش‌هایی از آن‌ها حلال معضلات و مشکلات جامعه‌ی ایران نیست؟ آیا منظور تزه نبرد مسلحانه با رژیم سرپا مسلح است!! در بستر چنین چهارچوبه و کلی‌گویی‌هاییست که، تیله دست‌یابی به "سنتز نوین" را به میدان پرتاب می‌کند؛ تیله‌ای که به زعم وی مارکس در پاسخ آن‌ها بر نیامده است و «باب آو‌اکیان» عهده‌دار آن می‌باشد!! به دنباله آن‌هم می‌گوید:

"امروزه هر کسی که بخواهد کمونیست باقی بماند و به درک علمی‌تر و صحیح‌تری از کمونیست دست یابد باید با نظرات وی آشنا و با آن درگیر شود".

عجب زمانه‌ای شده است و کاملاً واضح است که جنبش ایران، "تولد"، مارکس‌های عصر کنونی را به مانند این دوستان جشن نخواهد گرفت و به پایکوبی نخواهد پرداخت. اما فارغ از شوخی به نابه‌جا، یک‌دهه است که از عمر «حزب کمونیست ایران - م. ل. م.» می‌گذرد و به جرأت می‌توان گفت که انتخاب نام حزب بی‌محتوا و بی ارتباط، نه تنها کمکی به تکان دادن مدافعین "کمونیسم بر سر دو راهی" نکرده است بلکه باعث ریزش هر چه بیشتر

نیروهای درونی و افت گروهی‌شان شده است. این دوستان می‌خواستند با حزب و برنامه‌های‌شان طبقات و اقشار ستمدیده را در مقابل "سه کوه" - یعنی امپریالیسم، سرمایه‌داری بوروکراتیک و نیمه فئودالیسم - و آن‌هم با توسل جستن به قهر انقلابی بسیج نمایند و پایه‌های ارتش توده‌ای را بنا نهند؛ می‌خواستند با حزب‌شان، جنگ خلق را سازمان دهند و دست سرمایه‌داران و زمین‌داران بزرگ را از جان و مال توده‌های محروم کوتاه نمایند. بر این امر اصرار داشتند که "قدرت سیاسی از لوله تفنگ بیرون می‌آید" و در برنامه مورخه ۱۱ اردیبهشت [ثور] ۱۳۸۰ اعلام نمودند که "بدون در هم شکستن قدرت طبقات حاکم از طریق جنگ مسلحانه، انقلاب دمکراتیک و سوسیالیستی میسر نیست".

این‌ها چهارچوبه‌های فکری این دوستان را تشکیل می‌دهد و به واقع نمی‌دانیم که آیا امروزه مجازیم این‌ها را به حساب تئوری‌شان بگذاریم و این سؤال را در مقابل‌شان قرار دهیم که حزب "پرولتری" و "پیش‌قدم" مبارزات کارگری - توده‌ای در یک‌دهه تا چه اندازه در جهت سیاسی که از لوله تفنگ بیرون می‌آید، گام برداشته است و مهمتر از آن این‌که در کدام پروسه‌ی فعالیتی به این نتایج دست یافته است که این تز، تزی "کهن" است و می‌بایست به دنبال "سنتزی نوین" بود؟ نمی‌دانیم که آیا می‌توانیم این سؤال را طرح نمائیم که تا چه اندازه این "حزب" در میدان جنگ حضور یافته است و به تفنگ وفادار ماند و کار بست "بیش" از این‌ها، به نفع انقلاب و رهایی توده‌ها نمی‌داند؟ این‌ها صورت مسأله است که متأسفانه مدافعین "کمونیسم بر سر دو .." از ارائه پاسخ صریح بدان‌ها طفره می‌روند.

به بیانی دیگر، مگر "حزب" هدفش کسب قدرت سیاسی نبوده و نیست؟ مگر آلترناتیوهای حکومتی و مرحله‌ای را در مقابل خود قرار نداد و معتقد به "محاصره شهرها از طریق دهات" نبوده و نیست؟ مگر چگونگی رهایی از زیر سلطه‌ی امپریالیسم، رفع فحشاء، جدائی دین از دولت، آزادی بیان و مسأله مخالفت، صف‌بندی‌های طبقاتی، تضادهای اجتماعی، خصلت و دورنمای انقلاب، گام‌های فوری و راستای دگرگونی‌ها و غیره و غیره را در برنامه‌های خود نگنجانده است و باوری بدان‌ها نداشته و ندارد؟ آیا باز هم محق نیستیم تا این‌ها را به حساب تئوری‌شان بگذاریم و تاکید ورزیم که بحث اساسی این حزب و همه، نه در فقدان تئوری - فعلاً کاری به درستی و نادرستی آن‌ها نداریم - بل در بی‌باوری عملی‌شان نهفته می‌باشد؟

این حزب از یک‌طرف تأکیدش بر آن است که آن تئوری پاسخ‌گو نیست و جنبش ایران نیازمند "قالب ریزی جدید" است و از طرف دیگر هم‌چنان نام حزب "پرولتری" را پدک می‌کشد. نمی‌توان خود را به عنوان حزب "پرولتری" قلمداد نمود و هم ندانم‌کار و کج فهم، نسبت به پایه‌ی‌ترین اصول کمونیستی بود. متأسفانه این دوستان با صراحت کمونیستی سخن نمی‌گویند و اعلام نمی‌کنند که در کدام کش و قوس‌های مبارزاتی - عملی به رد تره‌های کهن دست یافته‌اند و مهمتر از آن این‌که توضیح نمی‌دهند که در کدام شرایط، قصد کشف نارسائی‌ها و دستیابی به "سنتز نوین" را دارند.

سه دهه است که احزاب و سازمان‌های متفاوت مردم را در صحن جامعه و آن‌هم در مقابل رژیم جنایت‌پیشه و سرکوبگری هم‌چون رژیم جمهوری اسلامی تنها گذاشته‌اند. با توده‌ی خویش بی‌ارتباط‌اند و در میدانی دیگر و بدون توجه به حقایق و نیازهای درونی جامعه، به پاسخ‌گویی معضلات فکری خویش مشغول‌اند. توجه لازمه و کافی از خود نشان نمی‌دهند که طبقه‌ی کارگر در میدان است و کارفرما در میدانی تولیدی شیره‌ی جانش را می‌مکد. به این نمی‌اندیشند که سرمایه‌داران زنان را به انحای گوناگون مورد بی‌حرمتی و تعرض خویش قرار می‌دهند و اعتراضات مردمی را به خاک و خون می‌کشانند. عمیقاً این سؤال را در مقابل خود قرار نمی‌دهند که پاسخ یک

سازمان و حزب "پرولتری" مسلح - و آن هم سازمان و حزب با برنامه - نسبت به وحشی‌گری‌های رژیم مسلح چیست؟ واضح است هنگامی که حزب و یا سازمانی، مدعی کسب قدرت سیاسی است و بر این باور است که باید طبقات انقلابی را در مقابل طبقه بورژوازی بسیج نماید و یا سازمانی که قصد دارد تا در برابر نظم ظالمانه، نظم نوین و انقلابی را در جامعه برقرار نماید، می باید و با توده خویش ارتباط گیرد و آنرا حول سیاست‌های کمونیستی - انقلابی بسیج نماید. دوستان، درد شما به مانند همه، نه در نا معین و نامشخص بودن تئوری‌تان، بلکه در بی‌عملی‌تان نهفته می‌باشد. به آن چه که باور دارید عمل نمی‌کنید. این جاست که گفته می‌شود. بدون عمل نمی‌توان به صحت و سقم نظر پی بُرد. بنابراین اهمیت پراتیک در چنین چهارچوبه‌ای قابل فهم است. در حقیقت پراتیک از تئوری تبعیت می‌کند و تئوری بدون پراتیک، تئوری بی‌ثمر و مُرده است و جاذبه‌ای نخواهد داشت.

به راستی که بی دلیل نیست جنبش ایران به چنین وضعیت اسفباری دچار گردیده است. به دلیل این که جریانات و احزابی همچون «حزب کمونیست ایران - م. ل. م -» هیچ‌گونه باوری به مصوبات و برنامه‌های‌شان ندارند و به دنبال رفع مشکلات عملی جنبش‌های کارگری - توده‌ئی نیستند و برای آینده خود، زمان بی‌عملی بیش از این می‌خرند؟ دوستان صاف و پوست کنده و بدون چشم‌داشت‌های سیاسی - تشکیلاتی به پای کشف و دست‌یابی حقایق نمی‌روید و به همین دلیل به آشفته فکری و ندانم‌کاری دچار گردیده‌اید. واقعیت این است که این حزب - به مانند دیگر سازمان‌ها و احزاب - بیش از دو دهه است که در خارج از کشور لنگر انداخته است و کمترین نقشی در اعتراضات مردمی ندارد و اصلاً و ابداً به گفته‌ها و مصوبات خود پای‌بند نیست. نمی‌خواهد یکبار و برای همیشه تکلیف خود را به عنوان "حزب" با توده‌های ستم‌دیده روشن نماید و دروناً نمی‌خواهد بر اساس جایگاه فعلی‌اش، نوع کاری خود را تعیین نماید. منافع‌ی گروهی‌اش مانع هرگونه بیان واقعیت‌هاست. این‌ها همان صورت مسئله‌ای است که مدافعین "کمونیسم بر سر دو راهی" نمی‌خواهند با مسؤولیت‌پذیری هر چه بیشتر و به دور از فحاشی، اتهام و انگ زدن به این و آن و با حفظ و رعایت پرنسیب‌های اولی کمونیستی از در پاسخ آن‌ها بر آیند. این جریان بعد از دهه‌ها فعالیت سیاسی و حدوداً یک‌دهه کار "حزبی" به این نتیجه رسیده است که بعضاً نیروهای موجود در درون جنبش کمونیستی از فهم صحیح طبقه و دیکتاتوری پرولتاریا و غیره به کج اندیشی و رخوت تئوریکی دچار گردیده‌اند و حاضر به برون رفت از موقعیت کنونی نیستند و بر این نظر اصرار دارد که:

"اگر بخواهیم پراتیک‌های انقلابی‌تر از گذشته سازمان دهیم در این زمینه‌ها نیز به تئوری‌های پیشرفته‌تری نیازمندیم".

این حزب در وحله نخست فرمان عقب را صادر می‌نماید و طبق معمول هیچ‌گونه وظیفه عملی برای خود قائل نیست و در ثانی وظیفه خود نمی‌داند تا مضمون "پراتیک" سابق و تاکنونی‌اش را مورد نقد قرار دهد و روشن سازد که منظور، کدام پراتیک ناکارآمد می‌باشد؟ مگر این حزب، سازمانده پراتیک مبارزاتی در درون جامعه طی دو دهه اخیر بوده است و بر اساس "پراتیک" ناکارآمد گذشته خود به این جمع‌بندی دست یافته است که تئوری، تز و نبرد مسلحانه، بیش از این پاسخگوی جامعه ایران نیست؟!

خلاصه کلام و فارغ از همه این‌ها چنانچه بخواهیم به عنوان یک سازمان و حزب مدعی هدایت مبارزات توده‌های محروم، با ایده «حزب کمونیست ایران - م. ل. م -» همراه شویم و آنرا به حساب وظایف کمونیستی خود، در این دوره بر شماریم، آن وقت می‌باید تکلیف مردم را هم در مقابل یورش‌های روزانه و پی در پی رژیم روشن سازیم. باید روشن سازیم که چه پاسخی باید به کارگران اعتصابی داد و متعاقباً رهنمود به نسل امروزی چیست؟ به غیر از این است که بر گردان وظایف تعریف «حزب کمونیست ایران - م. ل. م -» چیزی جز آن نیست که به مردم و

جنبش‌های اعتراضی اعلام نمائیم، دست به اعتصاب و اعتراض نزنید و بپا نخیزید؛ چرا که حزب و سازمان "پرولتری"تان، در فهم "طبقه" و "کمونیسم علم است یا ایدئولوژی" مانده و آماده پیشبرد انقلاب و رهائی‌تان از زیر سلطه "سه کوه" نیست. آن وقت می‌دانید که باید با جسارت و با صراحت کمونیستی، حزب‌تانرا منحل نمائید و بر اساس وظایف تعیین شده و محل اسکان یافته و آن هم به اندازه قد و قواره تان، فرم‌های صحیح کار جمعی را پی ریزید.

مسلم است که این کار بسیار بزرگیست که نه تنها در مقابل حزب‌تان بلکه در برابر همه سازمان‌ها و احزاب قرار گرفته است. شکی در آن نیست که وارد شدن خالصانه به این بحث، به معنای نفی تشکیلات با فرم کنونیست. می‌دانیم که کار بسیار بزرگیست و شهادت عظیمی را می‌طلبد و نیازمند پشت پا زدن به منفعت فردی – گروهیست. به عبارتی صحیح‌تر سؤال حقیقی و عینی است که روی میز همه قرار گرفته است و بدون پاسخ‌گوئی صریح بدان، نمی‌توان ادعای کار کمونیستی و تاثیرگذار را داشت. دوستان انتخاب با خودتان است.

۷ آگوست ۲۰۱۰

۱۶ مرداد [اسد] ۱۳۸۹